



نقشه‌های شوم برای مصادره دوباره فوتبال

فانونانمی‌توانند، اما…

هدفشان مصادره دوباره فوتبال است و برای رسیدن به این منظور باید بار دیگر ریاست فدراسیون را در دست داشته باشند.
انگار خوب هم باهم برای تقسیم پست‌ها کنار می‌آیند اینکه چه کسی باید نایب‌رئیس باشد، چه کسی رئیس و چه کسی باید برای دیگر پست‌ها نقشه بکشد. مهندسی انتخابات هیئت‌ها هم دست‌شان را کامل باز گذاشته است، خیلی‌ها از مدت‌ها قبل تلمع شده‌اند، بعضی‌ها اما ضابطه دارند و برخی دیگر نیز با رافرت گذاشته و برگه‌هایی چون چک سفید امضا داده‌اند که هر طور لازم است پر شود. اینها تنها اندک خبرهایی است که از تکاپوی این روزهای خیل بازنستندگان فدراسیون فوتبال به گوش می‌رسد.
همان‌هایی که فوتبال را به خاک سیاه نشانده، اما هنوز هم دست‌بردار نیستند و اصرار به ماندن دارند و چه چیزی بهتر از برگزاری انتخابات براساس اساسنامه سال ۹۰ که البته تأییده داخلی راندار و تأییده فیفا پای آن بار دیگر چماق شده برای پیشبرد اهداف آقایانی که سال‌ها حضورشان در فوتبال جز تباهی و فلاکت چیزی به جا نگذاشته است! این آقایان خیلی قبل تر باید چمدان هایشان را برای رفتن از فدراسیون می‌بستند.
همان اوایل اسفند سال ۹۵ که طبق مدارک منتشر شده در خبرگزاری تسنیم، تاج در نامه‌ای از سالی به دیوان محاسبات کشور نام ۲۵ نفر از بازنستگان فدراسیون را داده و مدعی شده بود که همگی قطع همکاری کرده‌اند. لیست ۲۶ نفر‌های که البته شماره ۲۵ آن بدون تغییر شماره حذف شده بود تا خلیی در ادامه حضور ساکت در کنار تاج به عنوان مشاور بی جیره و موافق که در تمامی تصمیم‌گیری‌ها، مواضع و مسائل و سفرها حضور و تأثیر مستقیم داشت ایجاد نشود.
حالا اما نه فقط ساکت که بازنشته‌بودنش زیرسیبلی رد شد تا بی هیچ مشکلی به کارهای تمام نشدن اش در فدراسیون ادامه دهد، بلکه اکثر آن بازنشته‌هایی که طبق نامه رسمی رئیس وقت فدراسیون فوتبال به دیوان محاسبات کشور همکاری‌شان با فدراسیون به دلیل قانون منع بازنشسته‌ها مطلقاً قطع شده بود، برای ادامه حیات خود در فدراسیون فوتبال خیز برداشته‌اند!

حیدررضا عاصفی، غلامحسین زمان‌آسایی، عباس تریابیان، ماشاءالله مختارزاده، فریدون اسفهانپای، حیدرپهاروند، منوچهر نظری، کاظم سلیمانی، امیر عابدینی، عباس خرازی، عبدالکریم خسروی، سیدمصطفی طباطبائیان، علی‌رضایعی، علی کشفیان، سیدرضا قایسی، عبدالکاظم طالقانی، مسلم سفیری، یدالله هوشمند، محمد امیری، غلامرضا پهروان، علی کاظمی، حجت‌الاسلام علیپور، محمد درخشان، فریدون معینی و محمد احسانی نفراتی هستند که اواخر سال ۹۵ توسط رئیس وقت فدراسیون فوتبال به عنوان بازنشسته‌های قطع همکاری کرده‌باان فدراسیون به دیوان محاسبات معرفی می‌شوند و همانطور که خبرگزاری تسنیم نیز در گزارش اختصاصی با عنوان «کدام افرح حق حضور در انتخابات فدراسیون فوتبال راندارند؟ خداحافظی با بازنستگان طبق نامه تاج +سنه» به آن اشاره می‌کند، جای ساکت در این لیست خالی است و اگر تاج فدراسیون مدعی باشد که او در این تاریخ کارمند رسمی فدراسیون بوده، نمی‌تواند منکر شدن که ساکت مشاور ارشد مهدی تاج و مدیر تیم‌های ملی بود (و چند سمت دیگر) که با همین عنوان مشاور هم باید همانند آصفی و زمان‌آبادی که با پست مشاور به دلیل بازنشستگی قطع همکاری کرده‌بودند، از بنده فدراسیون جامدی شد(هرچند که برخی از همین لیست هم همچنان با عنوانی دیگر در فدراسیون مشغولند)

هرچند که امروز همانطور که اشاره شد، اکثر آقایانی که طبق نامه تاج با فدراسیون قطع همکاری کردند، بر خلاف کنار گذاشته شدن قانون منع به کارگیری بازنشتگان، بار دیگر نقشه کشیده‌اند برای مصادره کردن فدراسیون فوتبال به نفع خود و به پیشخوانی کارهایی که پیشتر در این زمینه انجام داده‌اند. خیلشان هم راحت است که می‌توانند بار دیگر همان دورهمی گذشته را ادامه دهند که ادامه آن بدون تردید نتیجه‌ای جز زیلویی مطلق فوتبال ایران چیز دیگری را در پی نخواهد داشت.

بلاتکلیفی نیمکت تیم ملی در استانه سه دپدر بازی انتخابی جام‌جهانی، بدهی‌های هنگفت سرمربیان خارجی که به دلیل بی‌کفایتی مدیریتی روی هم تلنبار شده، عدم توانایی در گرفتن حق فوتبال ایران از عربستان و… چند نمونه کوچک‌از بی‌کفایتی مدیرتی است که طی ۱۴ سال گذشته فوتبال ایران را به تباهی کشانده‌اند.

بدون شک محرومیت احتمالی از سوی فیفا به دلیل دخالت در ورزش دولست در کار فوتبال که بلوفی بیش برای رسیدن آقایان به اهدافشان نیست، نمی‌تواند ضرر بیشتری نسبت به حضور دوباره آنها بر مسند قدرت برای فوتبال ایران به بار داشته باشد.

بن‌بست انتخاب سرمربی ایرانی تیم ملی

تیم ملی در حالی بدون سرمربی مانده که هیچ‌کدام از گزینه‌های داخلی توانایی هدایت آن را ندارند چون در تمام این سال‌ها کاری برای تربیت مربی داخلی انجام نگرفته است



مصدومین ملی جوان

داخلی در رقابت‌های خارجی نیز توانایی‌های فنی

خود را ثابت کنند، اما این مهم هیچ وقت اتفاق نیفتاد تا نیست به راحتی سرمربی خود را از دست بدهد و کلار تقریباً تمام شده و حضور قلعونویی در تیم ملی فعلاً منتفی است.

هرگز دریم به اول مطلب، اما اینکه چه اتفاقی افتاده که فوتبال ایران در حالی که می‌خواهد صاحب مربی بومی شود، اینقدر دستش خالی است که اینکه به بن‌بست می‌خورد؛ یکی در حد تیم ملی نیست، دیگری بار فنی ندارد، گزینه بعدی هم صرفاً یک مربی موفق داخلی است و ثابت کرده که در ورای مرزها، کوچک‌ترین شباهتی به مربی مقتدر داخل ایران ندارد.

پاسخ این سؤال اساسی و مهم را باید از مسئولان فدراسیون فوتبال از دهه‌های گذشته تا به امروز پرسید. تیم ملی ایران مربی خارجی کارلید کم نداشته‌از استانگو گرفته تا یویوچ برانکو و در نهایت کارلوس کی‌روش تمامی این نا‌هایی توانستند

فوتبال ۵ نفره و بسکتبال با ویلچر به توکیو اعزام نخواهند شد!

تأکید دوباره بر اعزام کیفی کاروان به پارالمپیک ۲۰۲۰

قابل توجه است که مؤید نگاه ویژه کمیته ملی پارالمپیک به ورزش بانوان است.

نایب‌رئیس بانوان کمیته ملی پارالمپیک نگاه اعضای هیئت‌اجرائی به بانوان را مثبت خواند. سیما لیبوری در گفت‌وگو با «جوان» گفت: «تاکنون بانوان موفق به کسب شش سهمیه توکیو ۲۰۲۰ شده‌اند و تصمیم‌گیری مسئولان برای اعزام کاملاً مثبت بوده است. البته تعداد سهمیه‌ها در بخش بانوان در حال افزایش است. ما می‌توانیم در این زمینه با وجود این همیشگی نگاه کمیته پارالمپیک به بخش بانوان توسعه‌ای بوده و برای ما مدال نقره پارالمپیک حکم طلا را دارد. کسب مدال نقره برای‌ها برایمان بسیار ارزشمند است.»

در این باره بانوان بسیاری از رهنمودهای کمیسیون ورزشکاران و بانوان تأکید داشت: «حضور و فعالیت دو کمیسیون برای ورزش پارالمپیک بانوان الزامی است، بدون شک حضور روی این مسئولیت‌ها ادامه پیدا خواهد کرد. بدون شک حضور بانوان ایرانی در میان‌بزرگی چون پارالمپیک توکیو ۲۰۲۰ بسیار ارزشمند است. امیدواریم با توجه ویژه هم در بخش قهرمانی و هم در بخش توسعه به اهدافمان برسیم.»



به این ترتیب با تصمیم هیئت اجرایی و رئیسه کمیته ملی پارالمپیک، تیم‌های ملی فوتبال پنج نفره و بسکتبال با ویلچر مردان به‌رغم کسب سهمیه پارالمپیک به این بازی‌ها اعزام نخواهند شد. در حالی که این دو تیم به مسابقات اعزام نمی‌شوند، حضور پرنگ بانوان در کاروان پارالمپیک بسیار



روزگار ناخوش‌پ و سیتی

پپ گواردیولا حق دارد پس از باخت یک‌شنبه شب سیتی به تانتنام اینطور مانند عکس بالا ناراحت و دمغ باشد و باز یکنانش را ۵۰ دقیقه در خرتکن پس از بازی حبس کند. با شکست سیتی مقابل شاگردان مورینیو فاصله این تیم که رده دوم را در اختیار دارد با لیورپول صدرنشین به ۲۲ امتیاز رسید تا شاگردان کلوب تنها با شش برد از ۱۳ بازی باقی مانده جشن قهرمانی در لیگ جزیره بگیرند و بر خلاف فصل گذشته دست‌پ و شاگردانش از رسیدن به جام کوتاه شود.

پادشاهی

سعید احمدیان

وزیر ورزش و ساده‌انگاری یک اتفاق تلخ

بحث چرایی مهاجرت برخی ورزشکاران مطرح این روزها داغ است و از وزیر ورزش و رئیس کمیته ملی المپیک گرفته تا برخی کارشناسان در این بساره اظهارنظرهای متفاوتی داشته‌اند و هر کدام دلایلی را برای چنین معضلی که ورزش گرفتار آن شده است، برشمرده‌اند. تازه‌ترین موضع‌گیری را ادیروز وزیر ورزش داشت. مسعود سلطانی‌فر در صحبت‌هایی که جای بحث زیادی دارد، مدعی شد که بحث مهاجرت بعضی از قهرمانان را فارغ از نگاه سیاسی باید دید و چنین تصمیم‌های پرهزینه‌یک ورزشکار را به اختلاف او با مربی یا رئیس فدراسیون ارتباط داده است. صحبت‌های سلطانی‌فر گویای این است که او می‌خواهد موضوع مهاجرت برخی قهره‌های مدال آور را به یک مسئله سطحی و پیش‌بافتاده تقلیل دهد، به همین دلیل هم ساده‌انگارانه‌ترین توجیه را برای چنین تصمیم‌هایی که ورزشکاران مهاجرت کرده گرفته‌اند، بیان می‌کند. مانند رضا صالحی‌امیری، رئیس کمیته ملی المپیک که او هم معتقد است در میان مهاجرت سالانه چندده هزار نفر، رفتن یک یا چند ورزشکار قابل توجه نیست و نباید آن را بزرگ کرد.

با این حال به نظر می‌رسد بیان تحلیل‌های دمدستی‌مانند توجیهاتی که وزیر ورزش برای مهاجرت ورزشکاران بیان کرده، به نوعی انداختن توپ در زمین بقیه برای رفع مسئولیت است. این در حالی است که وزارت ورزش به عنوان متولی ورزش کشور در موضوع مهمی مانند تغییر تابعیت بعضی از مدال‌آوران مسئول است و نسبت به کم‌کاری‌هایی که در این زمینه صورت گرفته تا موح مهاجرت در بین ورزشکاران مطرح بالا بگذرد باید پاسخگو باشد. نمی‌شود مسئولیت اصلی ورزش را بر عهده داشت، اما از زیر پا مسئولیت یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که در حوزه ورزش رخ داده و بازخوردهای سیاسی زیادی داشته است شانه خالی کرد، به‌خصوص که نمی‌توان کتمان کرد که بخوایم یا نخواستیم تغییر تابعیت و پناهندگی ورزشکارانی مانند کیمیا علیزاده رنگ و بوی سیاسی نیز گرفته و زمینه‌ای را فراهم کرده‌است تا جریان ایوزسیون و مخالف جمهوری اسلامی ایران با دست گرفتن چنین موضوعی خیلی از اتهامات بی‌پایه و اساس را در رسانه‌های دنیا علیه کشورمان در بیوق و کرنا کند. اما چرا باید شرایطی در ورزش کشور به وجود آید که یک ورزشکار مطرح وارد بازی سیاه و کثیف غربی‌ها علیه کشورمان شود و سواستفاده از برخی از این ورزشکاران توسط عوامل بیگانه برنگ شود، در اینکه جریان مخالف جمهوری اسلامی ایران از هر فرصتی برای هجوم علیه کشورمان استفاده می‌کند، تردیدی نیست و چنین مسئله‌ای را در حوزه‌های مختلف هم می‌توان دید. ورزش نیز از چنین مسئله‌ای درامان نمانده و در ماه‌های اخیر با پناهندگی دو چهره مشهور ورزش کشورمان استفاده از فشار از طریق ورزش پرنگ شده است. پناهندگی یک ورزشکار که با پروپاگانای عوامل ضدنظام جمهوری اسلامی می‌تواند هزینه‌های سیاسی بر کشور تحمیل کند را باید از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد. با این حال نمی‌توان از نقش سوعمدیریت‌هایی که در ورزش کشور زمینه‌چنین اتفاقاتی را فراهم کرده است، گذشت. سوءمدیریت‌هایی که وزیر ورزش سعی دارد آن را به دعوا و اختلاف ورزشکار پناهنده شده با مربی یا مدیر فدراسیون تقلیل دهد. این در حالی است که ساده‌انگاری خواهد بود که یک ورزشکار با چنین دلایلی تصمیم به پناهنده‌شدن و خراب کردن تمام بی‌لای پشت سرش بگیرد و در زمین دشمن بازی کند.

گرفتن چنین تصمیمات پرهزینه‌ای مانند پناهندگی از سوی یک ورزشکار مدال آور و مطرح را باید در وجود نداشتن برنامه‌ای برای رشد روانی و حس ملی و وطن‌پرستی ورزشکاران در سیستم مدیریتی متولیان ورزش کشور در نظر گرفت. سست‌جو کرد. رسیدگی مالی و شغلی به یک قهرمان را نمی‌توان کتمان کرد، اما چنین پشتیبانی‌هایی همه چیز نیست و پناهندگی کیمیا علیزاده به‌رغم تمام حمایت‌های مالی که از وی شد و کمبودی در این زمینه وجود نداشت، ثابت کرد که در حوزه‌های دیگر که بیشتر جنبه باورها و ارزش‌های ملی و میهنی یک ورزشکار ملی‌پوش است، برنامه‌ای نداشته‌ایم تا ورزشکارانی مانند کیمیا علیزاده امروز به راحتی تبدیل به آلت دست مخالفان جمهوری اسلامی شود و در زمین آنها بازی کند.

این در شرایطی است که علاوه بر پشتیبانی‌های مالی باید به موازات آن حمایت‌های روحی و روانی نیز از یک قهرمان صورت بگیرد تا قهرمانان ما با درک شرایط و با این حال کم‌کاری در چنین حوزه‌هایی سبب شده امروز موضوع پناهندگی یک ورزشکار، زمینه‌ای را برای سوءاستفاده‌های سیاسی از سوی جریان خارج از کشور فراهم کند. چنین موضوع مهمی نشان می‌دهد که پناهندگی یک‌قهرمان برخلاف توجیحات وزیر ورزش به دلیل اختلاف یک ورزشکار با مربی یا رئیس فدراسیون نیست و ریشه در عوامل مهم‌تری دارد که کم‌کاری و بی‌تفاوتی وزیر ورزش و دیگر متولیان ورزش در رسیدن به چنین شرایطی در ورزش ایران قابل‌انکار نیست.

اخبار گوناگوه

کمک‌های ورزشی ارتش به سیل‌زدگان

امیر سرتیپ دوم فولادی، رئیس سازمان تربیت بدنی ارتش گفت: «علاوه بر برگزاری مسابقات ورزشی دهه فجر در نظر داریم وسایلی ورزشی برای مناطق محروم و سیل‌زده و همچنین پادگان‌های مرزی که هیچ‌گونه وسایلی ورزشی ندارند ارسال کنیم.»

سپاهان برنده حساس‌ترین نبرد لیگ والیبال

هفته سیزدهم لیگ برتر والیبال بر گزار شد. در بازی‌های این هفته؛ پیکان برابر سپاهان ۳ بر ۲ مغلوب شد. شهرداری ارومیه ۳ بر یک کاله مارزندارن را برد، راهیاب ملل مروان ۳ بر صفر مقابل شهرداری گنبد پیروز شد. خاتم اردکان مقابل سایپا تهران در سه‌ست‌موتالی شکست خورد. پیام خراسان یک بر ۳ برابر شهرنوداراک باخت، شهداد یزد هم ۳ بر یک فولاد سیرجان ایرانیان را برد.